

# بسمه تعالی

تعریف و شناسایی نخبه

گزارش وضعیت پیشین و فعلی نخبگان

اشتباهات و راهکارها

سید محسن طباطبایی فر

**مقدمه:** نظر به لزوم افزایش نقش نخبگان در مدیریت کشور و مهیا سازی زیرساخت های مناسب به جهت گسترش فضای شکوفاسازی استعداد های نخبگان و بروز برخی ناهماهنگی های اخیر در خصوص حمایت از نخبگان و پیرو مذاکرات حضوری در این خصوص ، بعد از جمع بندی ذهنیت ها و تحقیقات گذشته به اشکال میدانی ، مورد کاوی و علی (تطبیقی) و با استفاده از نظرات کارشناسان در زمینه های مختلف در این خصوص و دسته بندی آن ها یک متن بسیار خلاصه و فشرده به جهت شفاف سازی مسیر و ایجاد ذهنیت در خصوص راهکارهای عملی رسیدن به شرایط مطلوب با توجه به آخرین نظریات کارشناسان این حوزه برای جذب نخبگان و حمایت از آنان در این متن گردآوری شده .

لازم به ذکر است با توجه به گستردگی این حوزه و برای شفاف سازی جزئیات نیازمند تحقیقات گسترده تری بوده که نیازمند صرف هزینه است .

همچنین تهیه کنندگان این متن همه تلاش خود را در راستای انتقال صریح حقایق این حوزه بدون در نظر گرفتن محدودیت ها و خط قرمز ها انجام داده اند .

همچنین در جریان این تحقیق و بررسی دیگر فعالیت ها در این حوزه متوجه شدیم جناب آقای دکتر بیات سرپرستی حمایت از نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت های قابل ملاحظه ای در این حوزه انجام داده اند که بعد از مذاکراتی در خصوص این موضوع ابراز تمایل کردند که در صورت تمایل جهت توضیح پاره ای از توضیحات در خصوص شناسایی ، حمایت و سیاستگذاری های حمایت از مخترعین خدمت مسئولین رده بالای مربوطه حضور به عمل رسانند (۱۳۹۰) .

## تعریف نخبه (آیین نامه احراز استعداد های برتر نخبگی از دانشگاه شیراز):

نخبه به فرد برجسته و کار آمدی اطلاق می شود که اثر گذاری وی در تولید و گسترش علم و هنر و فن آوری و فرهنگ سازی و مدیریت کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و بلوغ فکری وی در راستای تولید و گسترش دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و اعتلای جامعه انسانی کشور گردد.<sup>۱</sup>

توجه: تعاریف زیر مربوط به ادبیات این مقاله بوده و تعریف عمومی یا آکادمیک و کلاسیک ندارند.

**نخبه های علمی:** در این تحقیق به نخبگانی اطلاق می شود که بیشترین تاثیر را روی پیشرفت علم و فناوری کشور در حال حاضر داشته باشند نه به صورت بالقوه. که به ۴ دسته تقسیم می شود:

۱- **نخبه هوشی:** به نخبگانی که از نظر ضریب هوشی بین ۲ درصد اول جامعه باشند و از نظر تخصص یا جایگاه اجتماعی یا دانشگاهی به حدی رسیده باشند که بتوانند موثر واقع شوند نخبه هوشی می گوئیم. مثلاً ۵/۰ درصد از ۲ درصد (۱ ده هزارم جامعه)

۲- **نخبه خلاق:** به نخبگانی که از نظر خلاقیت و برخی شاخصه های فردی مشابه و مرتبط بین ۲ درصد اول جامعه باشند و از نظر تخصص و جایگاه به حدی رسیده باشند که موثر واقع شوند نخبه خلاق می گوئیم (۱ ده هزارم جامعه)

۳- **نخبه متخصص:** به نخبگانی گوئیم که به لحاظ تخصص از نظر فناوری به جایگاهی استراتژیک تبدیل شده اند مثلاً در ساخت شیشه به حدی از تخصص رسیده اند که توانایی تولید یک شیشه آزمایشگاهی خاص برای کاربرد ویژه را دارند در حالیکه آن شیشه قابل خرید از خارج کشور به جهت تحریم های فناوری نیست. (۳ صد هزارم جامعه)

۴- **نخبه دانشگاهی:** به نخبگانی گویند که از نظر جایگاه دانشگاهی به حد قابل توجهی از دانش رسیده باشند اعم از استاد و دانشجو (۳ صد هزارم جامعه)

نتایج بررسی ها و تحقیقات میدانی روی جامعه آماری محدودی از نخبگان خلاق و نخبگان علمی دانشگاه صنعتی شاهرود با همکاری مشاوره دانشگاه و همچنین پیرو نظرات کارشناسی ایشان ما را به این نتیجه رسانده که این ۴ دسته نخبه علمی تقریباً، اشتراک پذیری ندارند؛ یعنی یک نخبه خلاق نمی تواند یک نخبه هوشی باشد و برعکس (یعنی: نخبگان علمی، یا نخبه هوشی هستند یا نخبه خلاق) مگر در موارد بسیار نادر.

ارزش استراتژیک، نیازها، راه کارها و کاربرد های این چهار دسته بسیار متفاوت و متنوع می باشد که هر کدام باید به طور جداگانه به ارگان و سازمانی ذی صلاح واگذار شود.

این لیست شامل نتیجه گیری نگارنده از شرایط (نتیجه تحقیقات و نظر مشاورین) بوده و همچنین لازم به ذکر است که به جهت اصلاح برنامه ریزی، ادامه یک تحقیق میدانی قابل توجه جهت بررسی صحت این شاخصه ها ضرورت دارد. البته واضح است که این نتایج در سایر کشور ها، با شرایط کشور ایران تفاوت اساسی خواهند داشت و بسیاری از این شاخصه های متأثر از برنامه های دولتی و فرهنگ مردمی می باشد.

حوزه های بررسی شده	هوشی	خلاق	تخصص	دانشگاهی
محبوبیت	متوسط	بالا	کم	بالا
نظم پذیری	زیاد	کم	متوسط	متوسط به بالا
همسویی ایدئولوژیک	متوسط	متوسط	متوسط به بالا	پایین
درآمد مالی	ضعیف	متوسط	خوب	متوسط
مورد سوء استفاده کاری و تبلیغاتی	زیاد	زیاد	کم	کم
احترام به دلیل نخبگی	کم	کم	کم	زیاد
نقش در اشتغال زایی کشور	کم	زیاد	زیاد	کم
کشفیات جدید علمی	زیاد	متوسط	متوسط	کم
قابلیت جایگزینی نیرو از خارج (خرید نیرو)	متوسط	کم	متوسط	زیاد
میزان سهم فرار از کشور	متوسط	کم	کم	زیاد
سهولت جذب در مشاغل دولتی	متوسط	سخت	متوسط	آسان
میزان انتظار از دولت	متوسط	متوسط	کم	بالا

لذا با توجه به چند دستگی نخبگان و نیاز های متفاوت آنها ، نیاز به برنامه ریزی چندگانه و متنوع برای اقشار نخبگان امری غیر قابل اجتناب است . لازم به ذکر است که جهت برنامه ریزی دقیق با در نظر گرفتن شرایط کشوری و نیاز ها و زمینه های تخصصی نخبگان به دسته های گسترده تری تقسیم خواهند شد .

## وضعیت قبلی نخبگان - قبل از مداخله دولت

- **احترام** : به دلایلی از جمله: دلسوزی مردمی ، اعتماد و مردمی بودن مخترعین ، از احترام قابل ملاحظه ای برخوردار بودند .

- **اعتماد اجتماعی**: به دلیل صداقت قشری، مرجع بودن در بین مردم جهت امور مردمی و مشاوره های محلی ، سابقه عملکردی خوب و خوش نامی در محل داشته و اشخاصی مورد اعتماد تلقی می شدند.

- **اعتماد به نفس** : به جهت سختکوشی و کار کردن در شرایط سخت و نگاه فلسفی جمعی ، انگیزه خدمت و وجود زمینه قابل ملاحظه مذهب، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار بودند.

- **فضای کاری** : به جهت شناسایی شدن در منطقه و محل زندگی خود - علی رغم فقدان حمایت های دولتی - ریش سفیدان محل از آنها به جهت انجام پروژه های خود پشتیبانی اعتباری و نقدی می کردند ، همچنین به جهت مردمی بودن آن ها در بسیاری مواقع، مردم خود را در نتایج آزمایش آن ها سهیم می دانستند - لازم به ذکر است که در برخی مناطق دنیا این امر به حدی شدید است که مردم در خصوص نخبگان خود دروغ می گویند مثل داستان ادیسون - که او نه مخترع برق بوده و نه مخترع لامپ ii

- **محبوبیت** : به جهت ارتباط نزدیک مردم با نخبگان و اعتماد آن ها نخبگان نه تنها در فعالیت های جمعی بلکه در روابط خصوصی اطرافیان نقش موثر داشتند، لذا از محبوبیت بالایی برخوردار بودند .

- **درآمد** : به جهت محبوبیت ، برخورداری از اعتماد اجتماعی، اعتماد به نفس بالا و فضای مناسب کاری، از نظر اشتغال و درآمد مشکلی نداشتند ( در بسیاری از موارد ضعف مالی آنها به دلیل نداشتن روحیه مالدوستی در آنها بوده است، نه بدلیل ضعف اجرایی و ... ) .

- **سیاست** : می توان گفت بزرگترین مشکلات نخبگان در آن زمان عدم شناسایی صحیح و در نتیجه عدم دعوت از آنها به جهت حضور در عرصه های مدیریت کلان کشوری و سیاسی بود و پس از مدتی این جامعه با دولت غریبه

شدند که این موضوع تلفات بسیار سنگینی به دولت و اعتبار دستگاه های دولتی شعاردهنده فعال در این زمینه ( به جهت برخی بی عدالتی هایی که در حق نخبگان صورت گرفت ) و جامعه نخبگان وارد کرد - برای مثال پخش مستند پروفیسور شهریاری (استاد فیروز نادری مدیریت تحقیقات فضایی ناسا) در خانه هنرمندان.

## دخالت های و اشتباهات

- **عدم پشتیبانی از جامعه مخترعین ایران** : این جامعه با بیش از ۳۵ سال تجربه در این راستا از قابلیت های بالایی برخوردار بود که به جهت نبود پشتیبانی دولت، امروزه تقریباً منحل شده است . ( البته شاید امروز توانایی قابل ملاحظه ای برای متولی شدن در این حوزه را نداشته باشد ولی تجربیات بسیار گران قیمتی در دل خود جای داده)

- **عملکرد ضعیف اداره ثبت اختراعات** : به جهت عملکرد ضعیف فرهنگی در راستای معرفی نخبگان و فرهنگ اختراعات و عدم وجود بخش کارشناسی متخصص در سازمان ثبت و عدم راه اندازی مرجعی ویژه امور قضایی در خصوص بررسی تخلفات مربوط به این موضوع، بر گه ثبت اختراع تقریباً سندیت خود را از دست داده است.

- **عملکرد اشتباه صدا و سیما** : صدا و سیما و رسانه های سینمایی به جهت حمایت از عده محدودی از نخبگان برنامه هایی لحاظ کردند ولی به دلیل عدم کارشناسی فنی در حوزه علوم اجتماعی با نتایج نامطلوبی روبرو شد که از جمله : تبلیغ دست نیافتنی بودن نخبگان ( که نتیجه این اشتباه انحراف فرهنگی در جامعه و در نتیجه عدم اعتماد مردم به نخبگان مردمی خواهد شد ) ، متفاوت نشان دادن نخبگان به صورت غیر واقع ( معرفی یک شخصیت خیالی به جای شخصیتی که واقعا وجود دارد ) که این امر زمینه را برای بسیاری انحرافات هموار کرد ، قدرتمند بیان کردن نخبگان ( عدم نیاز به پیشبینی مردمی ) ، از بین بردن قبح فرار از کشور (معرفی فرار از کشور به عنوان تنها راه حلی که یک نخبه با آن مواجه است ) ، عدم اطلاع رسانی در خصوص نهاد ها و سازمانهای حمایت از نخبگان ، عدم پوشش خبری وضعیت نخبگان کشور و سو استفاده های تبلیغاتی و سیاسی و بسیاری اشتباهات غیرقابل جبران دیگر که در این مبحث نمی گنجد .

- **عملکرد ضعیف دستگاه نظارتی و کنترلی** : کم کم انجمن هایی در این خصوص قدرت گرفتند که بسیاری از آن ها با اهدافی به غیر از حمایت از مخترعین و بیشتر به عنوان یک ابزار برای فروش اسم مخترع یا مبتکر فعالیت می کردند و حتی ادعاهایی در خصوص ارتباط این سازمان ها با دشمنان نیز مطرح است؛ همچنین نخبگان نیز در

شرایطی که باید نزدیک ترین ارتباطات را با سازمان های اطلاعات داشته باشند در خصوص رویکرد و عملکرد این سازمان دچار سر درگمی هستند .

- **ضعف مدیریت کلان نخبگان** : پس از ایجاد شکاف بین نخبگان علمی و دولت ، برخی مسئولین به جای ایجاد فضای دوستی و حل این مشکل به این نتیجه رسیدند که می توانند با پول یا حمایت های رسانه ای و ... نخبگان را جذب کنند، غافل از اینکه این نوع شیرینی ها برای گرگس ها بسیار گوارا تر از نخبگان است و به جهت بصیرت پایین و عدم شناسایی صحیح نخبگان و یا حتی فقدان اشتراک در تعاریف (به صورت مشخص) ، عدم حمایت نخبگان در این پروژه منجر به وقوع فجایع غیر قابل جبرانی شد .

- **عملکرد ضعیف ارگان های حمایتی مالی** : ارگان های حمایتی- مالی، سازمان هایی مانند سازمان ثبت اختراع و یا سازمان پژوهش های علمی صنعتی را به عنوان مرجع در خصوص بررسی طرح ها و حمایت ها به رسمیت شناختند در حالی که زیر ساخت های محیطی برای این امر هنوز محیا نبود . ( البته سندیت این سازمان ها رو به کاهش است )

- **عملکرد ضعیف وزارت علوم** : انحصار طلبی شدید وزارت علوم در ایران منجر به از دست دادن اقشار نخبه دیگر و به نوعی جبهه گیری در قبال آنها شده و کار را به جایی رسانده که حتی در بخش «ارتباط با صنعت» ، با بیشتر دانشگاه ها دچار مشکل شده اند ( صنعت بدون کسب امتیاز به راحتی پذیرش عملکرد دفتر بخش «ارتباط با صنعت» در دانشگاهها را ندارد )

- **عدم حمایت صحیح از نخبگان** : هزینه هایی که به جهت حمایت (غیرنقدی) از مخترعین صرف شده عموماً به اموری غیر از این اهداف منجر شده که دلایل آن خارج از موضوع بحث است .

- **عملکرد اشتباه جشنواره ها** : در یک جشنواره مثلاً طرح قطره چکان آینه ای ( قطره چکانی که به یک آینه جهت دیدن چشم خود مجهز شده ) با مثلاً طرح «نانو حافظه ها»، در یک جشنواره با شرایط برابر داوری می شوند؛ یعنی مقایسه بین نخبگان هوشی ، خلاق و ... چطور می توان این ۲ اختراع را مقایسه کرد؟! و چطور می توان به هر دو امکانات یا جوایز مشابه داد؟

- **عدم دخالت وزارت فرهنگ و ارشاد** : وزارت فرهنگ و ارشاد در خصوص جلوگیری از این انحرافات فرهنگی مربوط به خواص و نخبگان نه تنها هیچگونه عکس العمل مؤثری از خود نشان نداده بلکه عموماً با تزریق تفکر سلطه ستیزی، پیروی از هر شخصیتی به جز شخصیت های مذهبی را محکوم کرده (که خود این موضوع به منزله رهبرستیزی و در نتیجه کاهش تبعیت عوام از نخبگان در مدیریت های کلان می شود) .

- کاهش فعالیت دفتر حمایت از نخبگان رهبری: تصور می شد (اطلاعات کافی در دست ندارم) که در برخی موارد این دفتر راهگشای برخی مشکلات بود که با راه اندازی بنیاد ملی نخبگان این دفتر، مراجعین خود را به این بنیاد ارجاع می دهد.

و ....

## وضعیت فعلی نخبگان

- احترام: به جهت دخالت‌های دولتی، مردم گاه‌ها نه تنها دلسوزی برای مخترعین نمی کنند، بلکه در صورت تقاضا به آن‌ها با نگاه متکدی و سوء استفاده گر نگریده و با توجه به گسترش کلاه برداری در این قشر، از آن‌ها فاصله گرفته و مراودات خود را با آن‌ها محدود می کنند.

- اعتماد: به دلیل گسترش نخبه نمایی، سواستفاده سیاسی از این عناوین، کاهش فرهنگ شایسته سالاری، رواج اینترنت به عنوان یک مشاوره و ورود اشخاص بد نام به این قشر، نه تنها نخبگان حقیقی دیگر به صرف نخبگی قابل اعتماد نیستند، بلکه مردم بیشتر جانب احتیاط را رعایت می کنند!

- اعتماد به نفس: مجموعه ای که توسط دولت حمایت نمی شوند نه تنها وجه نخبگی خود در محیط را از دست می دهند، بلکه تصور می کنند که نگاه نخبگی و فعالیت‌های انجام شده تا به امروز ناشی از یک توهم جمعی بوده که به زودی حل می شود و در چنین شرایطی نگرش مذهبی و عقیدتی نیز نمی تواند کارساز باشد و مجموعه حمایت شده کم کم خود را به این حمایت‌ها وابسته می بیند به نحوی که در صورت عدم این گونه حمایت‌ها کار برای او بسیار سخت می شود.

- فضای کاری: در صورتی که نخبه از مجموعه مورد حمایت دولت باشد، به جهت برهنگی فرهنگی حاضر در سطح جامعه، بسیاری از کارها را ناقص شأن نخبگی خود دیده و محدودیت‌های برای خود قائل می شود، انتظار او در خصوص دریافت وجه افزایش یافته و کم کم شرایط کار کردن برای وی سخت تر می شود و در صورتی که مورد حمایت دولت نباشد ادعاهای او در خصوص نخبگی گاه‌ها کذب تلقی شده، در نتیجه حتی گاهی در خصوص بروز آن اقدامی صورت نمی دهد. (تلقین)

- محبوبیت: واضح است که قشری با شرایط ۱ تا ۴ محبوبیت عمومی ندارد.

- درآمد: به جهت عدم اعتماد، اعتبار، حمایت، خودباوری و ... درآمدی کسب نمی شود.

- **سیاست:** به جهت ورود بی مقدمه و سریع نخبگان به سیاست بدون بصیرت و نداشتن تخصص سیاسی کافی، نه تنها به بازیچه تبدیل می شوند، بلکه برخی از افراد سود جو از این موقعیت و نابسامانی سیستم استعدادیابی و ارزشیابی نخبگان، سوء استفاده کرده و اعتماد دولت به نخبگان و برعکس را از بین برده اند.

## راه کارها:

لازم به توضیح است که ما فقط به بررسی راه کارها برای جلوگیری از فرار نخبگان و استفاده بهینه از آنها در نقطه بحرانی توجه کردیم (یعنی راه کارها با توجه به موانع) در حالی که خارج از نقطه بحرانی، راه کارها و برنامه بسیاری می تواند موثر باشد (یعنی راه کارها با توجه به عوامل) خصوصاً در سنین پیش دانشگاهی و دانشجویی که میتوان با هزینه کم تاثیر بسزایی به جای گذاشت.

این راه کارها و راهکارهای دیگر به ۴ حوزه اصلی تقسیم شده اند.

۱- ارتقای کیفیت قشر پاسخگو به نخبگان و تغییر اساسی در عملکرد نیروها

۲- تغییر نگرش به حمایت

۳- دولت فضای دوستی با نخبگان را ایجاد کند

۴- باید بسیاری از حمایت ها جنبه علمی داشته باشد

۱- **تغییر اساسی در سیستم جذب نیرو (ارتقای کیفیت قشر پاسخگو):** برای فعالیت در راستای حمایت از نخبگان که در این بحث نمی گنجد که بعداً خود می تواند به صورت یک تحقیق کامل شود. و به طور کلی حول محورهای زیر است.

۱- تغییر نظام پرداخت حقوق (اعمال سیاست های ارزیابی و کنترلی در راستای ارتقای عملکرد)

۲- تغییر نظام تعیین جایگاه (کاهش مدرک گرایی و استفاده از متخصصان این حوزه)

۳- تحول در ملاک ها و ارزش ها (انجام پروژه های پژوهشی فرهنگی جهت اصلاح نگرش و ارزش ها)

۴- تأمین بودجه های سنگین برای آموزش کادر جهت برخورد با نخبگان واقعی

۵- برگزاری دوره های آموزشی تخصصی نخبه شناسی و نخبه پروری (ارتقای کیفیت استعدادیابی)

## ۲- تغییر نگرش به حمایت

تکلیف آن است که فضایی ایجاد کنیم تا نخبگان، دانش یا تخصص خود را به پول تبدیل کنند و با گرفتن درصدی از این پول دولت را به درآمد زایی برسانند نه این که فقط با هزینه کردن برای نخبگان این مهم را از سر خود باز کنیم، یکی از تعاریف فراموش شده حمایت از نخبگان آسان کردن شرایط زندگی برایشان در جامعه است:

۱- جلوی حق کثی هایی که در خصوص نخبگان انجام می شود گرفته شود:

أ- دادگاه یا مرجع تخصصی در خصوص بررسی جرایم علمی راه اندازی شود.

ب- یک مرکز مشابه کانون و کلا برای مشاوره و خدمات رایگان قضایی و حقوقی به جهت جلوگیری از تضییع حق مخترعین، مشاوره در ثبت اختراع و دفاع از حقوق معنوی آنان راه اندازی شود.

ت- یک دبیر خانه جهت ارسال و پیگیری نامه های دولتی به سازمان ها و دریافت پاسخ به صورت متمرکز راه اندازی شود که از نظر حقوقی سندیت داشته باشد.

۲- برخی محدودیت های عمومی برای نخبگان لحاظ نشود (رعایت حق تقدم برای مراجعه به مسئولین، حضور در برخی جلسات و کنفرانس های خبری و طرح های ترافیک و زوج و فرد ...)

۳- در صورت بروز مشکلات شهری جهت کاهش آسب ها اولویت دوم پس از اقشار مستضعف باشند.

۴- افزایش احساس امنیت در جامعه (مثل امکانات مشابه بیمه خانواده و ...)

۵- احساس مورد توجه مردم قرار گرفتن (مثل در نظر گرفتن پشتیبان از الگوی پشت کنکوری ها)

۶- بازنگری سالانه یا دو سالانه در وضعیت فرد جهت تعیین میزان حمایت برای سنجش میزان لیاقت فرد جهت استفاده از حمایت ها

۷- واگذاری امانی امکانات و تسهیلات به جای کمک های بلاعوض. (در راستای انگیزش و قابلیت انتقال حمایت ها و کاهش هزینه ها)

## ۳- دولت فضای دوستی با نخبگان را ایجاد کند

۱- در هر سازمان وظیفه ارتباط با نخبگان به یکی از مدیران درجه ۱ یا حداکثر ۲ در سازمان اطلاق

شود که درعین حال برای ارائه پیشنهادات و بیان تهدید ها به سادگی در دسترس نخبگان (یا

نماینده نخبگان در حوزه های مختلف علمی) باشد و به شکل دوره ای از حمایت نخبگان از آن سازمان مطمئن شود .

۲- در سیستم های اداری اولویت انجام امور با نخبگان باشد . ( مثل بسیاری از کشور های مدرن )

۳- از نظر طبقه بندی اطلاعات برای آن ها جایگاه ویژه ای لحاظ شود .

#### ۴- باید بسیاری از حمایت ها جنبه علمی داشته باشد

۱- دسترسی این عزیزان به همه ی کتابخانه ها و مراکز علمی آموزشی آزاد شود .

۲- برگزاری دوره های آموزشی توسط آن ها در آموزش پرورش و دانشگاه ها با مساعدت سازمان مربوطه مواجه شود ( روند خسته کننده مجوز و ... ) .

۳- در دانشگاه ها اولویت کلاس های حل تمرین ، کار دانشجویی ها و ... با ایشان باشند .

۴- آرشیو شبکه ها و محتوا های علمی آموزشی در صورت درخواست حتی به صورت رایگان در اختیار آن ها قرار گیرد .

۵- مرکز مشاوره خدمات رایانه ای ویژه جهت پاسخگویی به سوالات آنان راه اندازی شود .

نوشته شده توسط سید محسن طباطبایی فر

با تشکر تلاش دوستان و نخبگانی که در ایجاد این محتوا من را از نظر علمی و خبری حمایت کردند

۱- خانم ناظمی ( فوق لیسانس روانشناسی و امور مشاوره ) و محقق میدانی

۲- مهدی منوچهر طیبی ( دکترای افتخاری اختراعات - متخصص رباتیک )

۳- مسعود رودی ( طرح اول پارک های علم و فناوری کشور - فوق لیسانس مکانیک )

۴- سید مهدی طباطبایی فر ( کارشناس علوم اسلامی )

۵- بهروز آهنگر ( کارشناس علوم سیاسی )

بخش هایی از این مقاله به جهت خلاصه سازی ، جلوگیری از انحراف موضوع ، عدم تحقیق کافی و ... حذف شده از جمله

بخشی از نظرات سید مهدی طباطبایی فر :

۱- زبان این مقاله کمی تند است و در بعضی قسمت ها باید تلطیف شود .

۲- لازم به ذکر است که بخشی از این گسستگی فرهنگی محدود به نخبگان نبوده و عمومیت دارد .

۳- بسیاری از این نکات و مشکلات نه تنها برای نخبگان بلکه در حمایت دولت از سایر اقشار و ... هم وجود دارد.

۴- بهتر است به انواع نخبه ، نخبه های جذب حمایت های دولتی را نیز اضافه شود که معمولاً همین عده کم تمام حمایت های دولت برای تمام اقشار را در اختیار دارند.

بخشی از نظرات آقای بهروز آهنگر :

۱- خصوصی سازی بخش هایی از این حوزه

۲- تدوین قانون «جلسات یا کرسی آزاداندیشی» و ابلاغ با محوریت نخبگان علمی به صورت تخصصی و مشترک با شرح وظایف متفاوت در راستای تحقق خواست مقام معظم رهبری در خصوص کرسی های آزاداندیشی

۳- تشکیل کمیسیون مشترک حمایت از نخبگان ( با حضور نمایندگان ۳ قوه و کارشناسان و سازمان های مرتبط )

و ....

بخشی از جامعه آماری از دانشگاه صنعتی شاهرود که بیشترین همکاری را داشتند :

حسین صالحیان ، محمد ضیایی ، خلیل سیاهلویی ، محسن فلاح ، محسن فرمانی ، فرید قهرمانی ، سینا مهدی زاده ، سید نوید حیدری ، علی لیلوی ، سعید مرادپور ، مجید ناصری

---

آ رئوس آیین نامه احراز استعداد های برتر نخبگی از دانشگاه شیراز

آآ لامپ ها از سال ها قبل استفاده می شدند و لامپ با متد ادیسون برای سوان دانشمند انگلیسی بود - از دانشنامه بین

المللی ویکی پدیا